بازخوانی پرونده جنایی

مستندسازی که قربانی جنایت خانوادگی شد



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ بامداد ۲۶اردیبهشت سال ۱۴۰۰، مأموران شهرداری در حال تخلیه سطل‌های زباله منطقه‌ای در غرب تهران بودند که با کیسه زباله مشکوکی روبه‌رو شدند. وقتی کیسه را بررسی کردند با قسمت‌هایی از بدن یک انسان مواجه شدند و موضوع به پلیس اعلام شد. با شروع تحقیقات پلیسی قضایی به دستور بازپرس جنایی تلاش برای شناسایی هویت مقتول آغاز شد.

افسر پرونده درباره این ماجرا به «ایران» می‌گوید:«با انگشت‌نگاری جسد متوجه شدیم وی سابقه‌دار نبوده است. بعد از آن از طریق سامانه ثبت احوال و اثر انگشت تک انگشتی کارت ملی، هویت مقتول به نام بابک خرمدین به دست آمد. از طریق همان سامانه آدرس محل زندگی‌اش نیز شناسایی شد. وی مردی ۴۷ ساله و کارگردان مستندساز بود که به همراه پدر و مادرش در یکی از شهرک‌های معروف تهران زندگی می‌کرد. با اطلاع از این موضوع، تیم تحقیق راهی خانه مقتول شدند تا از خانواده او تحقیق کنند. اما هر چه زنگ خانه را به صدا درآوردند کسی پاسخگو نبود، به نظر می‌رسید آنها خانه نیستند.»

تصاویر انتقال جسد

افسر پرونده ادامه می‌دهد:«همان‌طور که در محل بودیم از همسایه‌ها تحقیق کردیم و آنها تأیید کردند که آنها خانواده‌ای محترم هستند و سال‌هاست در آنجا سکونت دارند. برای تحقیقات بیشتر شروع به بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته ساختمان کردیم و مشخص شد چند ساعت قبل از پیدا شدن جسد، پدر خانواده که مردی سالخورده بود چندین‌بار همراه همسرش کیف و چمدانی را از خانه خارج کرده و با آسانسور پایین برده و برگشته است. با دیدن این تصاویر موضوع جنایت خانوادگی پررنگ شد. ساعت حدود دو بعدازظهر همان روز در حال تحقیق بودیم که متوجه شدیم مادر خانواده به خانه بازگشته است. زنی سالخورده و بیمار که به سختی راه می‌رفت. زمانی که قصد ورود به خانه را داشت، با او وارد خانه شدیم و صحنه عجیبی را مشاهده کردیم. پدر ۸۱ ساله بابک در حال شست‌وشوی حمام خانه بود. داخل حمام، چاقو را هم پیدا کردیم و وقتی در رابطه با پسرش بابک از او سؤال کردیم گفت: «دو شب قبل از خانه خارج شده و دیگر برنگشته است.»

ماجرا حساس‌تر از آن بود که تیم تحقیق زمان را از دست بدهد. ممکن بود جنایت در حمام رخ داده باشد و پیرمرد در حال شستن حمام و از بین بردن سرنخ‌ها بود. بلافاصله به دستور بازپرس جنایی، اکیپی از مأموران تشخیص هویت راهی محل شدند و آثار خون در حمام کشف شد؛ آثاری که مهر تأیید بر دست داشتن پدر و مادر در قتل بابک می‌زد و بدین ترتیب زوج سالخورده بازداشت شدند.

انگیزه قتل

موضوع واقعاً عجیب بود. چرا و چگونه مردی با آن سن و سال توانسته بود پسر جوان خود را بکشد. تحقیقات نشان می‌داد اکبر خرمدین بازنشسته ارتش زمان شاه و فوق‌العاده به قوانین و قواعد خودش معتقد بود. او به حدی علاقه‌مند به تاریخ بود که حتی فامیلی‌اش را تغییر داده و به خرمدین تبدیل کرده و اسم بچه‌هایش را نیز بر اساس اسامی اسطوره‌های قدیمی نامگذاری کرده بود. او فردی بود که تاب نمی‌آورد کسی با خواسته‌هایش مخالفت کند، حتی اگر فرزندانش باشند.

با همسرم بدرفتاری می‌کرد

پدر بابک در اولین روزی که بازداشت شد، در حضور خبرنگاران به قتل بابک اعتراف کرد و گفت:«از کارهایش خسته شده بودم. من و مادرش را خیلی اذیت می‌کرد. افکارش با ما مطابقت نداشت. حرف‌هایی می‌زد که اصلاً با اصول من یکی نبود. با یک خانمی در خارج از کشور کار می‌کرد و آن خانم قرار بود به حساب پسرم سه میلیارد تومان واریز کند تا با این پول‌ها برای شرکتشان تجهیزات بخرد. اما بابک می‌گفت می‌خواهد با این پول‌ها خانه بخرد و من می‌گفتم این کار درست نیست اما او هیچ توجهی به اعتراض‌های من نمی‌کرد. او قبلاً وابستگی زیادی به ما داشت اما ۵ سالی می‌شد که عقایدش تغییر کرده بود.

من پیر و بیمار هستم، از یک ماه قبل حدود ۱۵ کیلو وزن کم کردم. دکتر گفته به خاطر استرس است و اگر این استرس را از خودت دور نکنی نهایت تا یک سال دیگر زنده هستی. نمی‌توانستم استرس‌هایی را که بابک به من می‌داد، تحمل کنم. من با پول مسافرکشی و با هزار بدبختی بابک را فرستادم درس خواند و مدرک فوق‌لیسانسش را گرفت و استاد دانشگاه شد. او دوستانش را به خانه دعوت و همسرم را مجبور می‌کرد با این سن و سال و حالش از آنها پذیرایی کند. خلاصه که از دستش خسته شده بودیم. گفتم حاضرم خانه را بفروشم و سهم هر کس را بدهم یا اینکه خانه را به نام مادرت بزنم و از شماها جدا شوم و تنهایی زندگی کنم، اما قبول نکرد.

قرص‌های خواب‌آور در غذا

متهم گفت:«روز قبل از حادثه به خانه آمدم و با همسرم تصمیم گرفتیم او را به قتل برسانیم. آن روز غذا آبگوشت مرغ داشتیم و همسرم سهم پسرم را داخل کاسه ریخت و داخل همان کاسه هم مقدار زیادی قرص خواب‌هایی که خودش استفاده می‌کرد، ریخت. اما آن روز بابک آبگوشت را نخورد و گفت بیرون غذا خورده‌ام و بعداً می‌خورم. فردا ظهر بعد از کلاس آنلاین، من مشغول نوشتن کتاب داخل اتاق بودم که بابک برای خوردن غذا به آشپزخانه آمد. مقدار کمی از آن غذا خورد و روی صندلی نشست. با خوردن غذا نیمه‌هوش شد، وقتی می‌خواستم او را بکشم به هوش آمد و با من درگیر شد اما بی‌حال بود، روی زمین افتاد و من هم دست و پایش را بستم و با چاقو او را زدم.»

افشای راز دو جنایت دیگر

افسر پرونده گفت:«زمانی که راز این جنایت فاش شد، متوجه شدیم این خانواده یک دختر دیگر هم داشته‌اند که به شکل مرموزی از ۵ سال قبل ناپدید شده است. گرچه اکبر ادعا کرده بود دخترش به خارج از کشور رفته است اما استعلامات صورت گرفته از اداره گذرنامه چنین موضوعی را تأیید نکرد. به خاطر دارم ۴۸ ساعت بعد از کشف جسد بابک، متهم به قتل دخترش هم اعتراف کرد. در همین حین خانواده داماد این خانواده یعنی همسر همان دختر به قتل رسیده هم با مراجعه به پلیس اظهار کردند پسرشان چند سالی است گم شده و آخرین‌بار نیز به خانه اکبر رفته بوده که دیگر برنگشته است. در نهایت اکبر و همسرش به قتل دامادشان هم اعتراف کردند.»

اکبر در رابطه با قتل‌ها گفت:«دخترم بعد از طلاق از همسر اولش مدتی که گذشت با پسر خواهرم ازدواج کرد و ۶ ماهی که از زندگی آنها گذشت، برایمان گفت که شوهرش رفتارهای نامعقول دارد. او اعتیاد داشت و با خودروی پرایدش افرادی را که به صورت قاچاقی وارد ایران شده بودند جابه‌جا می‌کرد. ما هم تصمیم به قتل گرفتیم. همسرم داخل غذایش حدود ۸۰ قرص خواب‌آور ریخت که فوت کرد و با کمک همسرم جسد او را بیرون بردیم، بعد هم خودروی پراید او را در اطراف مهرآباد رها کردیم. به خانواده خواهرم هم گفتیم پسرش با چند نفر قاچاقی تهران را ترک کرده است، آنها هم باور کردند. به صورت غیابی طلاق دخترم را گرفتیم و جهیزیه‌اش را که آن موقع ۷۰ میلیون تومان خریده بودم به یک راننده که می‌خواست دخترش را شوهر دهد ۵۰۰ هزار تومان فروختم. اما بعد از قتل دامادم بدبختی و مصیبت ما شروع شد. دخترم در کار خلاف افتاده بود و مواد مخدر مصرف می‌کرد. او خیلی ما را آزار می‌داد به همین خاطر تصمیم به قتلش گرفتیم. سال ۹۷ یک روز صبح کله‌پاچه خریدم، چون آرزو خیلی کله‌پاچه دوست داشت، بازهم مثل قبل همسرم قرص‌هایش را داخلش ریخت و بعد از بی‌هوش شدن با کمک همسرم جسد را داخل حمام بردیم.»

نقشه قتل ناکام

متهم اعتراف کرد چون از رفتار دختر دیگرش با نوه‌هایش راضی نبوده، قصد داشته او را هم بکشد که دیگر نتواسته چون دستگیر شده است.

از اکبر پرسیدم بعد از قتل‌ها عذاب وجدان نداشتی و کابوس نمی‌دیدی؟ که او در اوج خونسردی به من پاسخ داد:«برای هیچ‌کدام از آنها عذاب وجدان نداشتم و هیچ وقت کابوس نمی‌دیدم چون احساس گناه نمی‌کردم. برای اینکه کسانی را به قتل رسانده بودم که معضل جامعه بودند و فساد اخلاقی داشتند.»

مرگ در زندان

در حالی که تحقیقات در این پرونده ادامه داشت و هنوز کیفرخواست صادر نشده بود، خانواده داماد به دادسرا رفته و از قصاص دایی‌شان گذشت کردند. خواهر فرامرز گفت:«چند سال قبل پدرم که به دنبال کارهای برادرم بود، فوت کرد و مادرم تنها ولی دم است و حال خوبی ندارد. دختر اکبر هم به ما پیام داد که اکبر در زندان حالش خوب نیست و سرطان پیشرفته دارد و در زندان هم مبتلا به کرونا شده است. حال بد دایی‌مان باعث شد گذشت کنیم اما هرگز دلمان نمی‌خواهد آزاد شود.» با بخشش اولیای دم، اکبر از قصاص نجات پیدا کرد، از طرفی باید منتظر می‌ماند تا از جنبه عمومی جرم محاکمه شود، در حالی که به خاطر کهولت سن و بیماری‌های ناشی از پیری حال او وخیم شده بود. سرانجام ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه یکشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۰ و چند ماه بعد از برملایی سه قتلی که طی ۱۵ سال مرتکب شده بود، در زندان رجایی‌شهر بر اثر کهولت سن، ابتلا به بیماری صعب‌العلاج و ایست قلبی فوت کرد.

نکته

وقتی اعتماد بی‌جا امنیت قانونی را متزلزل می‌کند

علی جوان بخت لاله
وکیل دادگستری

گروه حوادث: در سال‌های اخیر، هر روز با پرونده‌هایی در دادگاه‌ها مواجه می‌شویم که باید ریشه آنها را در یک «اعتماد ساده انگارانه» جست‌وجو کرد. بسیاری از شهروندان، به دلایل مختلف به جای طی کردن مسیر رسمی ثبت، به یک «مبایعه‌نامه عادی» یا یک «قول زبانی» بسنده می‌کنند. آنها فکر می‌کنند چون طرف معامله دوست، فامیل یا همسایه است، نیازی به سند قانونی و رسمی نیست. اما حقیقت این است که در دنیای امروز، «اعتماد» بدون «سند رسمی»، خطرناک‌ترین راه برای سرمایه‌گذاری است.

سند عادی، هرچند در دادگاه قابل استناد است، اما «امنیت مالکیت» را ایجاد نمی‌کند. وقتی ملکی سند رسمی ندارد، خطر «فروش مکرر به چندین نفر»، «ادعای مالکیت توسط ورثه» یا «توقیف ملک به دلیل بدهی‌های مالک قبلی» همیشه بالای سر خریدار است. نتیجه این وضعیت، نه تنها ضررهای مالی هنگفت، بلکه ایجاد تنش‌های اجتماعی و پر کردن ظرفیت دادگاه‌ها با پرونده‌های تکراری است که سال‌هاست می‌توانست با یک اقدام ساده اداری، پیشگیری شود.

بسیاری از مردم فقط زمانی به دنبال وکیل می‌روند که «اتفاق ناگوار رخ داده است.» در حالی که فلسفه حقوق، «پیشگیری» است، نه فقط «درمان».

راه حل این معضل، در دو محور اصلی نهفته است: اول، «تحول در سیستم ثبت»؛ به گونه‌ای که هزینه‌ها کاهش یابد و فرآیند ثبت برای اقشار کم‌درآمد تسهیل شود تا هیچ‌کس مجبور نشود امنیت قانونی خود را فدای هزینه‌ها کند. دوم، «آگاهی‌بخشی گسترده»؛ مردم باید بدانند که مبایعه‌نامه، فقط «وعده مالکیت» است، نه خودِ «مالکیت».

امنیت اجتماعی از امنیت مالکیت شروع می‌شود. تا زمانی که هر شهروند با اطمینان نداند آنچه خریده است، به شکل قانونی متعلق به اوست، آرامش در جامعه برقرار نخواهد شد و بهترین راه، «رسمی کردن تعهدات» است. بی تردید قانون برای محدود کردن ما نیست، بلکه برای محافظت از ما در برابر حوادث ناگوار است.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۷۲**

جدول عادی

افقی

۱ - خداحافظی کودکانه - مریض‌خانه سیار
۲ - الهه زیبایی - سریالی در حال پخش از شبکه نمایش خانگی
در ژانر درام جنایی به کارگردانی سجاد پهلوان‌زاده - ساعت ورزشی
۳ - ملاحظه حال - لقب بانوان - پادشاهان
۴ - دیدنی از رژه - صدای اردک - کف‌پوش پرزدار - رود مرزی
۵ - مخفف هستم - دام‌کشی - لقب شیطان
۶ - براق و صاف - سرپیچی - غذای نذری
۷ - مردان سیاسی - بی‌نظم - همسر زن
۸ - نام پسرانه - تیز - باهوش و زرنگ
۹ - ممنوعیت ورود - پشتکار، اصرار - ماده آلی آزت‌دار بدن
۱۰ - میوه نیکو - نشان صفت عالی - غوغا، آشوب
۱۱ - قفل چوبی درهای قدیم - نمایشگاه هنری - عضو دونده
۱۲ - پاداش کار - برادر مادر- حرف دهن‌کجی - از بلایای طبیعی
۱۳ - دوچندان - به‌وجود آورنده - نقیض «اخروی»
۱۴ - گردهمایی برای گفت‌وگو و رایزنی - رختشوی - دسته، گروه
۱۵ - از نوشت‌افزارها - شیره چیزی را گرفتن

عمودی

۱ - بهابازار
۲ - پاداش پیشخدمت - خوراک روزانه - پرنده کوچک یا حشره
۳ - پول «چین» - ششمین امام معصوم - شهر زیارتی عراق
۴ - بسیاری - چک - پشته خاک - گودال
۵ - گفتار یا کردار فریبکارانه - پادشاه ستمگر کلده - صحنه نمایش
۶ - عدد گلر - ظرف چهار و نیم لیتری - قطعه‌ای در خودرو
۷ - کلامی برای شگفتی - گذرگاه شهری - مرتاض هندی
۸ - خط باستانی - خراسان قدیم - میوه گوشواره‌ای
۹ - جزیره‌ای در اروندرود - قطار برقی شهری - سد جنوبی
۱۰ - بزرگواری - با «یللی» آید - حرف معرفه
۱۱ - پوستین - آزمودن - سیاهرگ
۱۲ - عصای حروف! - هالوژن نمک طعام - برنجی که هنوز پوستش کنده نشده - به نقطه برخورد دو دیوار زاویه‌دار گفته می‌شود
۱۳ - عروس زاگرس - راه و طرز - سیر کننده
۱۴ - مرطوب - دیوار خراب - اتصال و پیوستگی
۱۵ - اغفال کردن و گول زدن

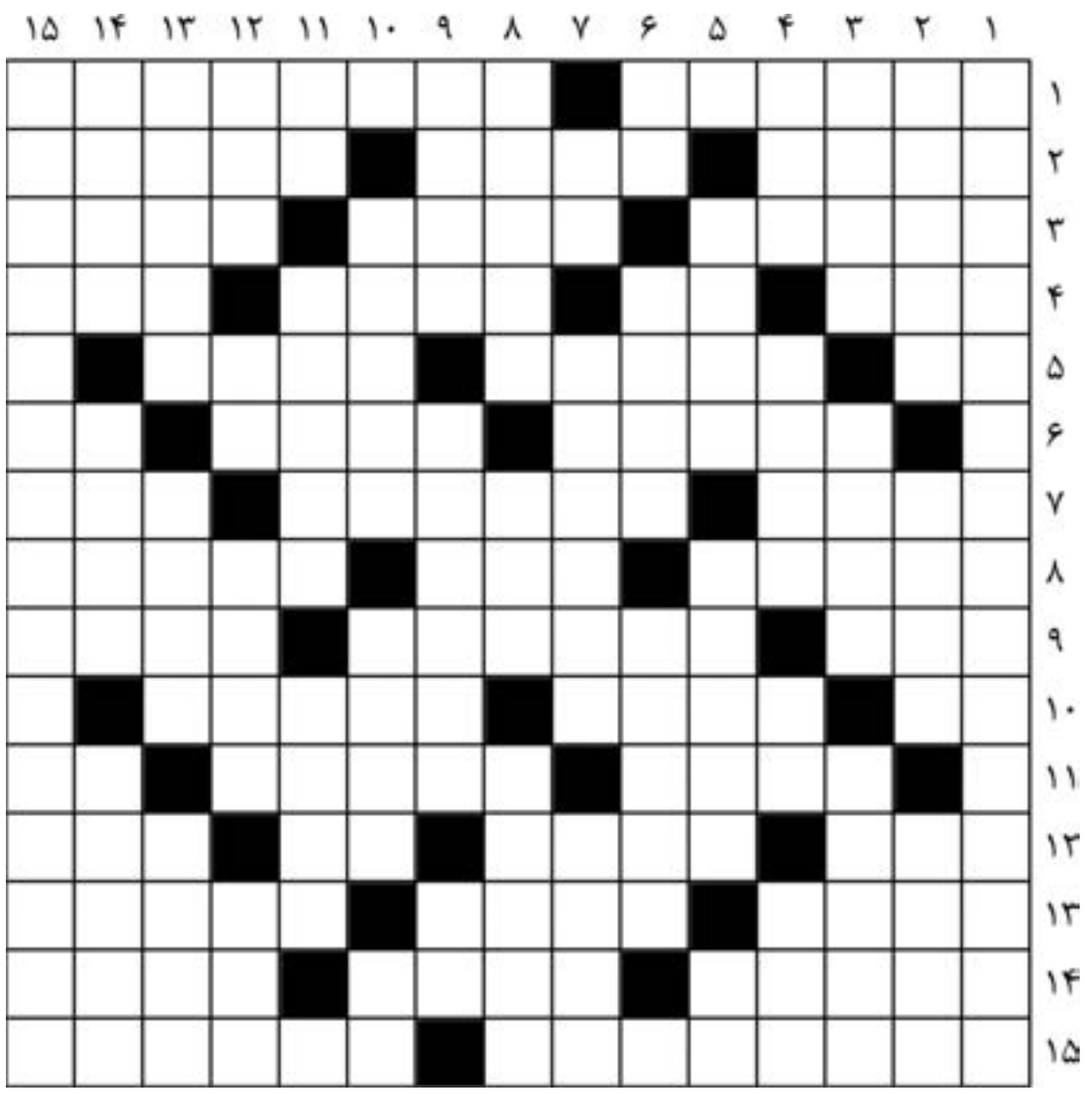
جدول ویژه

افقی

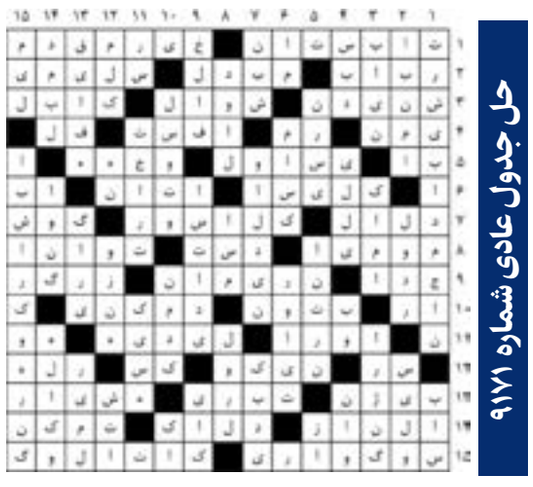
۱ - سریالی با حضور رویا افشار (۱۴۰۵) - گرگان قدیم
۲ - قدرت - گزند و آزار - استهزا
۳ - منتژیت - میکسر - سوگ
۴ - دخترک کارتونی - تاقچه قدیمی - غلاف شمشیر - سندروم تنفسی خاورمیانه
۵ - میان چیزی - همیشگی - کشور باسوادها
۶ - ظرف پخت غذا - نزدیکی جستن - مساوی عامیانه
۷ - فتنه و فساد - اختلال دوقطبی - برق مثبت
۸ - راهنمایی - یک قسمت از شبانه‌روز - نوعی عدسی
۹ - هلاکت - نام قدیم آمل - شخصیت کارتونی
۱۰ - نقش هنری - مقام ارشد اداره - پوشاک پاها
۱۱ - نوعی فست‌فود - حسابگری منفعت جویانه - اسم مردانه هلندی
۱۲ - سنگی شبیه عقیق - از ماه‌های رومی - رب‌النوع مصریان - دانه
۱۳ - سنت و خُلق‌وخو - فرومایه - محل برگزاری جشن عروسی
۱۴ - جمع‌آوری و تنظیم مطالب - معادل «دیتا» - ورزش ژاپنی
۱۵ - دخترخانم فرنگی - پنجمین شهر پرجمعیت «استرالیا»

عمودی

۱ - فیلم رضا عطاران
۲ - خبرگزاری کشورمان - میوه تابستانی - عاشق، شیفته
۳ - ضد «غلط» - انحطاط و انحلال - پادشاه ظالم عصر ابراهیم نبی (ع)
۴ - شایسته - دو برابر - حرف مفعولی - گروه ورزشی
۵ - مقصود - جنگل درختان سوزنی برگ - بی‌سابقه
۶ - بوی ماندگی - اصطلاحی در چاپ - پارچه‌ای که روی بالش و لحاف کشند
۷ - یک و دو - سریال حمید تمجیدی - سندروم نقص ایمنی اکتسابی
۸ - مصونیت - مرجان - نمایش دنباله‌دار
۹ - از مخلفات سفره - برس سنتی ژاپنی - بالا رفتن آب دریا
۱۰ - زخم چرکینی که آب به آن نفوذ کرده باشد - مخلوطی از سبزی‌های محلی - تصدیق عامی
۱۱ - برهنه - آقای فرنگی - پهنا، دامنه
۱۲ - گروه‌های مردم - پهلوان - ابزار - زمان مرگ
۱۳ - فرکانس - زخمی و خسته - غذای نذری شیرین
۱۴ - ستاره سیار - مرکز کشور «نائورو» - دهکده
۱۵ - سریال حسن فتحی



حل جدول عادی شماره ۹۱۷۱



حل جدول ویژه شماره ۹۱۷۱

